

# آهنگ سید

شماره چهارم

سال ششم



# آهنگ بدیع

نشریه جوانان بهائی طهران

مقالات بتصویب لجنه ملی نشریات امری میرسد

هر ماه بهائی یک شماره منتشر میشود

وجه اشتراك سالیانه

برای طهران ۱۶۰ ریال

برای ولایات ۱۴۰ ریال

\*\*\*\*\*

شماره چهارم                      شهرالرحمة ۱۰۸                      سال ششم

\*\*\*\*\*

## فهرست مندرجات :

۶۲	صفحه	۱ - لوح مبارك حضرت ولی امرالله
۶۳	"	۲ - وحدت عالم انسانی
۶۸	"	۳ - عقیده چند دانشمند
۷۰	"	۴ - شعر ( ای کتاب )
۷۱	"	۵ - شرح حال مرحوم مهندس عباس شهید زاده
۷۵	"	۶ - معرفی کتاب مقام و حقوق زن در دیانت بهائی
۷۷	"	۷ - شرح حال مرحوم دکتر یونس افروخته
۸۰	"	۸ - آهنگ بدیع و خوانندگان

شرح عکسها - روی جلد - تشکیلات جوانان بهائی طهران در سال ۱۰۷ - ۱۰۸ بدیع

مثنی ۱ - اعضای لجنه جوانان بهائی طهران در سال ۱۰۷ - ۱۰۸ بدیع

۲ - روز ملی جوانان در مال برون ( آلمان ) در سال ۱۰۷ بدیع

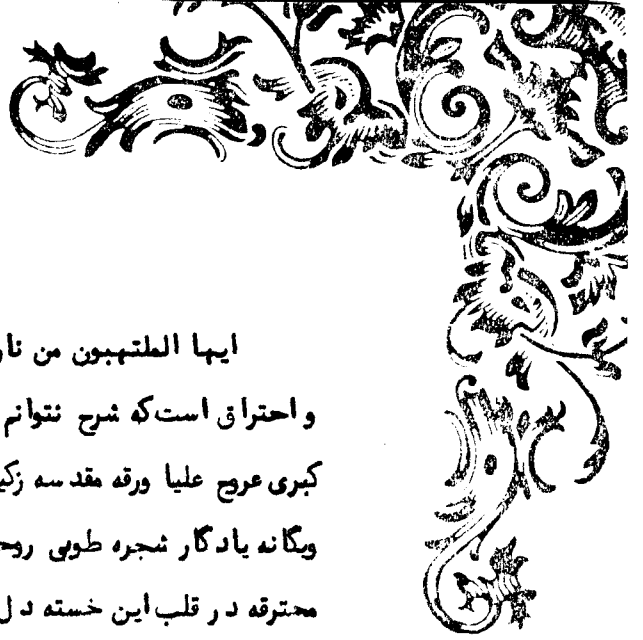
\*\*\*\*\*

تیرماه ۱۳۳۰

شماره مسلسل ۹۹

\*\*\*\*\*

آدرس مکاتبات - طهران شرکت سهامی نونهالان - ایرج متحدین  
" مراجعات " حظیرة القدس ملی - دفتر مجله آهنگ بدیع



### سوالابهی

ایها المتهبون من نارالفراق قسم به نیر آفاق که کبد این مشتاق چنان در سوز  
 و احتراق است که شرح نتوانم و از عهد و وصفش بر نیایم زیرا خبر فاجعه عظمی و فادحه  
 کبری عروج علیا ورقه مقدسه زکیه مطهره نورا، بقیة البها، وودیعہ ثمره ازلیه سدره منتهسی  
 و گانه یادگار شجره طوبی روحی لمظلومیتها الفدا، بسمع این بینوا فجاة رسیده و جمره  
 محترقه در قلب این خسته دل ناتوان بیفکنده و بنیان عبر بر انداخته و اشک حسرت چون  
 سیل خارف از دیده منهر ساخته فوا اسفا علی بما منعت عن الحضور والوفود فی ساحتها  
 حین خاتمه حیاتها و هرجها الی ربها و مولاها و استقرار جسد ها الالطیف فی مقرها  
 و مقامها اذا بقیت من هذا لفخر العظیم والشرف المبین ممنوعا بعیدا محروما مهجورا . . .  
 . . . جسم لطیفش از سجن محن و بلا یای متابعه که از ید از هشتاد سال بمظلومیتسی  
 حیرت انگیز تحمل فرموده آزاد شد و از قید هموم و فوم برست و از آلام و واجاع گوناگون نجا  
 یافت و از عوارض این دنیای دنیه رهائی جست و ساطع هجراب بزرگوار و برادر نیک اختر  
 مهر پرورش را در هم پیچید و در بحبوحه فردوس مقر و ماوی یافت مدت حیات پر تلاطمش  
 این لطیفه ربانیه دمی نیاسود وانی فراغت و آرامی نجست و نخواست در بد و حیاتش از حین  
 طفولیت از کاس کدر آشام بلیات و روزیای سنین اولیه ظهور امرا عظم الهی بنوشید و در فتنه  
 سنه حین در انرتالان و تاراج اموال ب بزرگوارش تلخی فقر و پریشانی بچشید و در اسار  
 و کورت و غربت جمال ابهی سهم و شریک گشت و در فتن و انقلابات ارض عراق که از تدلیس  
 و تزویر شقاق و مرکز نفاق احداث شد بلا یای لا تحصی در نهایت تسلیم و رضا تحمل فرمود  
 از خویش و بیوند بگذشت و از مال و منال بیزار شد . . . . .

( حضرت ولی امرالله )

عبدالله

## وحدت عالم انسانی

\*\*\*\*\* ( داریوش گبرگیل ) \*\*\*\*\*

حضرت عبدالبها<sup>۱</sup> میفرمایند قوله الاحلی :

" . . . آرزوی ما وحدت عالم انسانی است و مقصد ما صلح عمومی پس در مقصد و آرزو متحدیم و در عالم وجود مسائلی از این دو مسئله مهتر نمیشود زیرا وحدت عالم انسانی عزت نوع بشر و صلح عمومی سبب استیسا<sup>۲</sup>ش جمیع من علی الارض لهذا در این دو مقصد متحدیم و اعظم از این مقاصد نه . . . "

امال و آرزوی اصلی اهل بها در این عالم ادنی تاسیس و تحقق وحدت حقیقی عالم انسانی است بدین معنی که اصل وحدت و یگانگی در جمیع شئون اجتماعی بقصد و وسع و حوصله طبقات بشر و فطرت حقیقی خلقت متحقق گردد چه که عالم خلقت و طبیعت بطوریکه اخیراً مدلل گشته<sup>۳</sup> بر اصل اصیل وحدت متکی و استوار می باشد و سر رشته نظم عالم امکان و قوانین موجود در آن بهمچنین کلید قوانین اجتماعی و حقوق بشری که جزئی نا چیز از نظام عالم خلقت محسوب میگردد محکم اصل و حکم وحدت<sup>۴</sup> برده و قانون کلی " وحدت " اساس و پایه هر نوع از قوانین<sup>۵</sup> منظمه عالم امکان میباشد .

جهت تحقیق و بررسی کامل در این موضوع بموارد مختلفه مظاهر وحدت اشاره می شود :

اصل وحدت از نظر تاریخ

سیر تکاملی تاریخ از تشتت و تفرق آغاز شده و بسوحدت اجتماعی و بین المللی ختم میگردد تاریخ پیدایش تمدن و اجتماعات بشری مدل براین مطلب است .

بنا باظهار مورخین ابتداء افراد بشر در جنگلها و غارها بطور انفراد زندگی میکردند و مطیع هیچ قانون و قاعده ای نبودند . . . پس از گذشت قرون و اعصار متداریه خانواده که اولین و ابتدائی ترین انار اجتماع میباشد .

بوجود آمد رئیس خانواده حاکم بر کلیه شئون و مقدرات خانواده خوش محسوب میشد .

ها

در تاریخ پس از این مرحله بدوره ای میرسیم که خانواده در اثر ازدیاد نفوس و تزاید تولید و تناسل قبیله بزرگی را تشکیل داده و بنام رئیس قبیله خود نامیده میشوند .

در این موقع هر قبیله ای محکم اداب و رسوم مخصوصه خوش بود و قوانین و قواعدی مشخص داشتند . رئیس قبیله واضع و مجری قانون بشمار میرفت . اگر یکی از افراد قبیله مرتکب عملی میشد که جرم و مجازاتی را ایجاب مینمود رئیس قبیله شخصا دستور مجازات مجرم میداد .

در طی ازمنه متوالیه و هلال تاریخی شمار دوره حکومت قبایل بسر آمده قبیله ها به طایفه و طوایف بجمعیت های شهر نشین تبدیل گشت از این تاریخ انار تمدن یعنی شهر نشینی جامعه بشریت آغاز شده با اقدامی

سریع تر قوانین و طرحهای متین تری در طریق تکامل بسوی "وحدات تشکیلات اجتماعی" قدم گذارد .  
 معاملات و داد و ستد های تجاری و مسافرت ها از شهر به شهر دیگر در این موقع شروع گردید ولی این نوع مسافرت ها مستلزم رعایت قوانین سخت و غیر قابل تحملی بود زیرا ساکنین هر شهر مطیع و منقاد رای حاکم و سا رئیس مطلق العنان خویش بودند . قوانین مدونه هر شهری اهالی نواحی دیگر را خارجی و دشمن خود محسوب میداشت و خارجیان را از قسمتی از قوانین شخصی و حقوق بشری محروم کرده مالیاتهای سنگین و جزیه های فوق الطاقتی بر آنان تحمیل میکرد .  
 این وضعیت امتداد داشت تا اینکه شهرها بتدریج تشکیل ملت و مملکت دادند . در اینجا است که اولین مظهر وحدت و مرکزیت جامعه بشری مظاهر میگردد .  
 زیرا بعقیده ژان ژاک روسو نویسنده و متفکر شهیر فرانسوی راجع به تشکیل حکومت ها و دولت از نظر "قرار داد اجتماعی" افراد ملت قسمتی از آزادی - حقوق شخصی و اجتماعی خود را به هیئت یا فردی که بنام دولت یا شاه نامیده میشود تفویض نمودند بدین قسم ممالک و دولت و حکومت های متعدد تشکیل گردید که در اثر طول زمان و تحولات تاریخی بصورت دولت های کنونی درآمد .  
 اینک پایه و اساس اصلی "ملت و خون" که از برجسته ترین خصوصیات زندگانی قبیله ای بشمار رفته و یادگار از نالوده و اساس حکومت قرون وسطی محسوب میگردد

و اکنون منشأ تفرق و تجزی و اختلافات بین المللی محسوب میشود نزدیک است بکلی متزلزل گشته و جای خود را - باصل "مرام" یا خط مشی افکار اصلاح طلبی که اخیرا با اصطلاح مرام حزبی و سیاسی شناخته شده احاله نماید .  
 باید دانست که جنبه عمومیت و بین المللی اصل "مرام" بدرجات وسیع تری از دایره محدود اصل "ملت و خون" است اما طولی نخواهد کشید این اصل نیز چون اصول قبل از خاطره ها محو شده بجای آن اصیل ترین اصول و نهایت هدف تکامل اجتماع یعنی اصل "وحدات عالم انسانی" جایگزین گردد .  
 با مراجعه بمندرجات فوق و تحقیق و مقایسه هر یک از تحولات تاریخی نسبت بوضعیات ماقبل بخوبی مدلل میگردد که چون در تشکیلات اجتماعی عالم بشریت از - زندگانی انفرادی شروع شده به خانواده و از خانواده به قبیله و طایفه و شهرنشینی امتداد یافته و همین نحو از شهر نشینی به تشکیل مملکت و حکومت و مرکزیت اداری - فعلی تبدیل گردیده است .  
 اینک خواه و ناخواه چرخهای عظیم اجتماع در امتداد همین حرکت جبری تکاملی که اساس و پایه کلیه حرکت های کونی و فلسفه ابتدائی علت خلقت می باشد بسوی - وحدت تشکیلاتی جهان و تأسیس دولت فوق دولت و حکومت جهانی بگردد و مسیر خود ادامه خواهد داد .  
 در پیشرفت تاریخی اصل وحدت مضمون ترجمه بیان مبارک حضرت ولی امرالله در ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱ آگه

در کتاب نظم جهانی حضرت بهاء الله تحت عنوان اتحاد بشریلسان انگلیسی مندرج <sup>است</sup> چنین می باشد: "بخاطر آوردن اظهارات و بیاناتی که قبل از تشکیل ایالات متحده شمالی امریکا در تشریح موانع و مشکلات لاینحل موجود که در تاسیس دولت متحده پیش می آمد با چه اطمینان و اعتماد کاملی گفته میشد؟!

مگر با تاکید و صراحت تمام اظهار نمی نمودند که تصادم منافع و عدم اطمینان و سوء ظن مشترک و متبادل و اختلاف اداری حکومت و تباین عادات موجود بین ایالات کسبه موجبات تجزی آنها را از یکدیگر فراهم مینمود بنوعی که هیچ قدرت قوتی خواه روحانی و معنوی خواه جسمانی و مادی قادر نخواهد بود که توافقی و هم اهنگی و یا کنترل و اداره آنها را تأمین نماید؟

با وجود تفاوت و اختلاف وضعیت و شرایط موجود و یکصد و پنجاه سنه قبل با خصوصیات مختصه جامعه کنونی باید گفت که فقدان وسائلی که ترقیات علوم جدید در این عصر تحت اختیار و استفاده عالم بشریت گذارده است دران ایام موجبات تولید مسائل و موانعی را در - اتفاق دولت امریکا بصورت اتحادیه واحدی فراهم مینمود و هر چند در بعضی از اداب و رسوم متداوله بین آنان مشابهت و مماثلتی وجود داشت معذک انجام ان امر بی نهایت غامض تر و مشکلتر از ان بود که در این ایام هیئت های مختلفه بشری در مساعی و اقدامات خود - جهت حصول وحدت عالم انسانی مواجه خواهند گردید . . . . ."

و نیز در تحت عنوان "اصل وحدت" مضمون بیان مبارک - بفارسی چنین است:

" . . . . . چقدر مهیج و موثر است اگر بتاریخ ظهور و تکامل این نظریه متعالی "وحدت عالم انسانی" که باید مورد انعقاد نظر و بذل توجه متزاید مسئولین سر نوشت ملل جهان قرار گیرد مراجعه نمائیم .

. . . اعتراض شدیدی که بر علیه نقشه ناقص پرتگل و نوا وارد گشت و لطانت و تمسخریکه نسبت به پیشنهاد مس تشکیل دولت متحده اروپا نمودند و عدم اجرای نقشه عمومی وحدت اقتصادی اروپا را میتوان معرفت موانع و مخالفت هائی دانست که در مقابل اقدامات و مساعی مجدانه معدودی از صاحبان بصیرت و عاقبت اندیش در پیشرفت و تعمیم این نظریه جلیل و اصل اصیل اعمال میشده است ."

اصل وحدت از نظر اجسام و مواد

در اصطلاح حکمای قدیم عالم خلقت از چهار عنصر متمایزه اب و باد و خاک و آتش متشکل میگشت و این نظریه تا مدتی قبل کم و بیش مورد قبول حکما واقع شده بود تا اینکه با ظهور ترقیات سریع علم دانشمندان معتقد گشتند که مواد و اجرام موجوده عالم امکان از نود و هفت عنصر مفرد تشکیل شده و مواد و کائنات ترکیبی از این عناصر مفرده میباشند ولی اخیرا در اثر پیشرفت و ترقی علوم و ابداع وسایل محیر العقول از مایشگاهها ثابت و مدلل شده است که اساسا عناصر مفرده نیز متشکل از ذرات دیگری میباشند که اختلاف وضعیت و کمیت و کیفیت

ان ذرات موجبا اختلاف عناصر گشته است . بدین معنی اگر اتمهای هر عنصری را مورد دقت و تحقیق قرار دهیم مشاهده میگردد که هراتم از هسته مرکزی بنام پروتون ودهه معدودی الکترون تشکیل شده است الکترون ها با سرعت وقوت خارق العاده ای بدور هسته مرکزی در گردشند و اختلاف عناصر اصولا مربوط بکمیت الکترونها پروتونها است بدین تعبیر که میتوان عنصری را با تغییر در کمیت پروتونهای آن عنصر به عنصر دیگر تبدیل نمود و برای اولین بار " روترفورد در سال ۱۹۱۹ موفق شد تعدادی از اتمهای ازت را به اکسیژن تبدیل نماید و این عمل تبدیل عناصر را به عنصر دیگر ترانسمو تاسیون میگویند .

اختلاف بعضی از اجسام نیز در اثر کیفیت استقرار اتمهای جوار یگدیگر<sup>است</sup> بر حسب حال میتوان الماس و مغز سیاهی مداد را در نظر آورد زیرا مغز مداد در حقیقت همان جنس الماس است و هر دو از اتمهای کربن ( ذغال ) بوجود آمده اند منتهی با این فرق که اتمهای الماس بوضع منشوری و مورب ولی اتمهای مداد - بشکل سطحی و قشر مستدیر نزدیک هم قرار گرفته اند . از طرف دیگر بعضیها نیز معتقدند که یکی دیگر از - مظاهرا اختلاف اجسام با یگدیگر کیفیت و سرعت حرکات الکترونها است بگفته هسته مرکزی ولی بهر حال معلوم میگردد که اختلاف اجسام از اختلافات صوری و عرضی - است اما حقیقت و ذات کلیه اجسام واحد<sup>است</sup> و کلیه اتمهای موجود در عالم امکان از هسته مرکزی و چند

الکترون تشکیل شده اند . ( ۱ )

لهذا باید گفت در بدایون و کمون ذرات ریز و اتمهای هر کائینی از کائینات از کرات سماوی تا ذرات متعلقه در هوا قانونی موجود است که کلیه این قوانین اسیر اصل " وحدت " بوده و این قانون کلی باشد تی هر چه تمامتر بر مظاهر طبیعت حکمفرما میباشد .

اصل وحدت از نظر حرکت :

اجسام و موادی که در اطراف ما بظاهر در سکون و - سکوت مطلق فرورفته اند و کوچکترین حرکتی در خود ظاهر نمیکند در باطن اثباتی متحرکند که با سرعت وقوت و شدتی مافوق تصور در حرکت وگردشند این حرکت همان حرکت سریع الکترونها بدور هسته مرکزی يك اتم میباشد لهذا در عالم وجود کلیه کائینات هر چند - بظاهر ساکن و بی حرکت بنظر میرسند ولی در باطن - متحرکند هیچ شیئی نیست که از این قانون کلی حرکت مستثنی باشد . از طرف دیگر کیفیت حرکات هر شیئی حرکتی محورست یعنی هر شیئی متحرکی در اصل بگردد يك محور مرکزی ممین میگردد . زیرا گردش و حرکت يك

شیئی بدور دو محور در زمان واحد ممنوع و محال است . لذا الکترونهای هراتم بگرد هسته مرکزی خود و کره ماه بگرد زمین و کره ارض و سایر کرات منظومه شمسی بگردد خورشید و منظومه شمسی بدور محور ثالثی در حرکت -----

( ۱ ) - هراتم غیر از الکترون و پروتون دارای ذرات دیگری

مانند نوترون و پوزیترون و مزوتون میباشد که در سال ۱۹۳۲ توسط شاد ویک و اندرسن بوجود آنها پی برده شد .

وطوفاند لهذا جميع کائنات از کرات جسيمه تا کوچکترین ذرات ناچیز مطیع و منقاد يك قانون واحدند کل متحرکند و کل در حرکت اسیر کیفیت و احدى بنام حرکت محوری هستند .

بدین طریق مشاهده میگردد که اصل عمومی " وحدت " در حرکت و کیفیت حرکات عالم امکان نیز متأصل و جاری است .

### اصل وحدت از نظر قوا

سرتاسر عالم امکان اشیا و کائنات محاط از یکسلسله قوای موثر و متاثری است که موجب استقرار نظام خلقت و حرکت کونی کرات در جولايتناهی گشته است .

چنانچه فوقاً اشاره گشت الکترونهای یا ذرات گردنده با سرعتی شدید و نظم عجیب بگرد هسته مرکزی در گردشند و نفس این حرکت حیرالعقول قطعاً حاکی از وجود قوای عظیمی است که حرکت هسته مرکزی اتم منبعاث از او در عین حال علماً و عقلاً باید موخر از آن قوه باشد چه که اولاً حرکت بدون محرك اصولاً غیر ممکن است .

ثانیاً - اگر یکی از الکترونهای گردنده اتم را با وسایلی از سیر گردش طبیعی خود خارج کرده و یا در هسته مرکزی تولید انفجاری نمائیم عکس العمل فوق العاده و حشمتناک و شدیدی که میتوان از آن بقوه منفجره بمسب اتمی تمییز نمود احوادث میگردد . این عکس العمل بقدری مهش و عظیم است که بشر تاکنون با قوه ای مهیب تر و - مخرب تر از آن آشنا نشده است و تولید چنین قوه - مهیبه معلول از دست رفتن قوه مرکزی مرکز و انحراف از

وضع طبیعی است نه اینکه قوه در بطون هسته مرکزی - محبوس بوده و آزاد شده باشد چون سنگ سرازیر شده از قلعه کوهی که هر چه از محل سکون قبلی خود دورتر شود قوه سرعت حرکت و تخریب و زیادتر میشود و چنین است

کیفیت انفجار حاصل در اتم بدین طریق معلوم میگردد که قوه ثابت و جاذب عظیمی در هسته مرکزی موجود و مشهود است که اولاً موجب حرکت محوری الکترونها است و ثانیاً در اثر این گردش سریع و شدید محوری الکترونها را بقسمی بخود جذب نموده که با وجود قوه سرسام آور فرار از - مرکزی که بذرات گردنده وار میشود مانع از پرتاب شدن - الکترونها و متلاشی گشتن خود اتم میگردد ثالثاً در اثر همین قوه جاذبه عظیم اتمی است که اتمهای بیشماری يك قلعه آهن با نهایت سختی و صلابت یکدیگر را در - بر گرفته اند که جویها صرف قوای فوق العاده موفق بشکستن و با جدا کردن ذرات آن از یکدیگر نخواهیم شد .

از این قانون عمومیت قوا در جمیع اجزا " مرکبه کائنات بخوبی معلوم میگردد که قانون تعمیمی قوا نیز اسیر قانون واحدی است بنام " اصل وحدت قوا " زیرا که باید از مصدر واحد توانین مشابه و واحدی صادر گردد بنا بر این حرکت الکترونها و قوه جاذبه هسته مرکزی اتم و قوه صلابت اشیا و چسبندگی اتمها و اثر و تائیر هر يك از این قوا بر یکدیگر یا بعبارت دیگر وجود و استقرار عالم کون معلول يك قوه عظیم و نهانی واحدی است که بر عالم امکان محیط و نافذ بوده و اساس اصل وحدت قوا را مدلل میسازد .

( بقیه در شماره آینده )



عقیده چند دانشمند

\*\*\*\*\* ( ترجمه : محسن آوارگان ) \*\*\*\*\*

انچه زیلا از نظر خوانندگان عزیز میگذرد عقایدی است که - معی از دانشمندان ممالک غرب در باره وضع اخلاقی جامعه خود و نقائص آن ابراز داشته اند و یکی از مجلات وزین و گویا انتشار خارجی نیز آنها را جمع وری و منتشر نموده است . ما هم انرا عیناً ترجمه و نقل میکنیم تا جوانان عزیز بدانند که این پستی و انحطاط اخلاقی که امروزه بعنوان بهترین ارمغان از ممالک غرب بکشور ما آورده میشود و هر روز بنحو شدیدتری در زندگی اجتماعی و اداب و سلوک جامعه ما رخنه میکند و بعنوان مظالم تمدن جدید تلقی میگردد فقط ساخته و پرداخته افکار یک عده از افراد عادی آن ممالک است و گر نه کسانیکه عمری را در علم و دانش صرف کرده اند و اقلانه باوضاع جهان مینگرند از این انحطاط و اشفتگی که گریبانگیر جوامع آنان شده دلی پر خون و خاطری ناراضی دارند و این ناراضیانی از - عقایدی که در این باره اظهار داشته اند بخوبی واضح و آشکار است . ( مترجم )

"کاسل موریمون" عضو انجمن تحقیقات ملی امریکا -  
ورئیس آکادمی علوم نیویورک در این باره میگوید : هیچ  
کس نمیتواند قوانین اخلاقی جامعه را ملغی نماید و -  
امید واری تمدن امروزه ما نیز باطاعت از این قوانین  
است نه تقلید از خواستههای نفسانی باکدامنی - وفا  
داری و شرم و هیا کلیه خصائل نیکو که یادگار گذشتگان  
ما است در حقیقت بهترین نمونه طرز فکر بزرگان آن -  
اعصار است و دبستگی باین اصول برای نسل حاضر  
و آینده کمال لزوم را دارد و رشد اجتماعی هر جامعه  
نیز در اثر خوشتن داری افراد آن اجتماع حاصل  
میشود .

"دکتر جوشوا متالی" نویسنده کتاب "ارامش فکسر"  
میگوید : عصر ما با همه مطالعاتی که در باره مسائل  
جنسی و زناشویی دارد خیلی ناقص و سطحی فکر میکند  
زیرا هنوز مردم نمیدانند که باید بعضی از تعاملات  
خود تا مدتی جواب نفی دهند ، من معتقدم که -  
جوانان نیز باید مانند اشخاص مسن بعقاید دینی پا  
بند باشند و بین پاکی و ناپاکی فرق گذارند و بدانند که  
خود داری و تملك نفس و اعتقاد بمعنویات سبب پاکسی  
وصفای دل است و بجرات میتوان گفت که ترک اموری که  
مخالف پاکی و عفت و ضرر بحال جامعه است بهترین -  
نشانه بلوغ و تکامل تمدن بشری بشمار میرود .

"روبرت میلیگان" برنده جایزه نوبل دنیا در فیزیک و رئیس انجمن تحقیقات فنی کالیفرنیا مینویسد: امروزه غالب اشخاص چه بپر وجه جوان مشورت و مضطرب بنظر میرسند و شاید علت آن دو جنگ جهانیگیری باشد که با اثرات ناگوار و شوم خود سی سال تمدن بشر را از پیشرفت بازداشت و سبب تدنی و انحطاط اخلاقی مردم شد و اینهمه طلاقها و روابط نامشروع نتیجه این بسی اعتنائی با اصول اخلاقی و وجدانی است و در صورت ادامه این رویه اضمحلال نظم و آرامش اجتماع حتی خواهد بود.

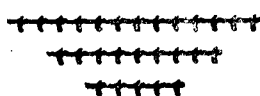
"دکتر ریچارد هونمان" روان شناس مشهور امریکائی میگوید: باید اذعان کرد که هنوز جهاد با نفس اعظم از جهاد با لشکری بزرگ است زیرا بشر همیشه متعادل بتزویه تعالیات و روض خویش است ولی نمیداند که بدین وسیله عملاً خود را بنده شهوات خویش ساخته است و آزادی حقیقی در صورتی بدست میاید که فکر و اراده فرما تراوی اعمال شخص و راهنمای او باشد.

بعقیده "ارنست پاکهایر" این عقیده صحیح نیست که اکثر پسران و دختران امروز توانین و اصول اخلاقی را زیر پا گذارند و بپاکدامنی و عفت بنظر تحقیق مینگردند مسلماً این شایعه نتیجه تبلیغات کسانی است که میخواهند چنین جلوه دهند که دیگر این عقاید کهنه شده است و باید دانست که این انتشارات اثرات عمیقی در روحیه جوانان هر قدر هم مذهب باشند باقی بیگذارند و بمنزله سم مهلکی برای جامعه است.

"دکتر مایر یوکاستلو" نویسنده کتاب "سرگذشت درونی زن" مینویسد: من با کمال صراحت بدختران توصیه میکنم که بعفت و پاکدامنی تمسک نمایند تا بتوانند عشق همسر مهربان و وفاداری را پذیرفته خانواده هماد تمندی را تشکیل دهند.

ازدواج و تشکیل خانواده در ترقی و خوشبختی جامعه ما سهم بزرگی را دارند و کسی که پشت با بقوانین و اصول اخلاقی اجتماع خود بزند دیر یا زود اثرات شوم او را در احساسات خود مشاهده خواهد کرد. و کشمکش وجدان او را همیشه معذب داشته صفا و آرامش فکر او را مختل خواهد ساخت.

لکونت و ونوی "بیولوژیست مشهور و نویسنده کتاب معروف "سرنوشت بشر" طی مصاحبه ای چنین گفته است: با اشخاصی که سعی میکنند با سفسطه های خود مادیت را ترویج نمایند باید خاطر نشان ساخت که بزرگترین واقعه و تحول در تاریخ طبیعت تجلی وجدان در زندگی بشر است و از این موقع بود که بشر توانست قویترین غریزه طبیعی خود یعنی "دفع مضرت و جلب منفعت" را کنار گذارد و زندگی خود را صرف کارهای دیگر و اشخاص دیگر هم بکند و از این هنگام فداکاری و شفقت و سیاری... خصائل اخلاقی بزرگ در او بوجود آمد و امروز نیز با تقویت این صفات است که میتوان یک تمدن حقیقی بوجود آورد.



## ای کتاب

پای دل در بند عشقت شد گرفتار ای کتاب  
 امشب آتش بر دل افکندی دگر بار ای کتاب  
 دلنشینی هم دل آرائی و دلداری کتاب  
 ورنشینی با منی تا عبیح بیدار ای کتاب  
 داستانها و حکایتها و اشعار ای کتاب  
 گرچه می بینی ز من بس ظلم و آزاری کتاب  
 همچو تو محبوب پر مهر و وفاداری کتاب  
 تا بد لخواه رفیق خود کنسند کار ای کتاب  
 باش تا گردت بگردم همچو پرکاری کتاب  
 من بدام عشق تو هستم گرفتار ای کتاب  
 همنشینت را نخواهی کوچک و غوار ای کتاب  
 بروی اشخاص دانشمند بسیمار ای کتاب  
 تا چنین مانند زنده طی اعصار ای کتاب  
 کز لقای تست نور حق نمودار ای کتاب  
 از رخت صد شعله سینا بدیدار ای کتاب  
 در توی بینم هزاران جنت و نار ای کتاب  
 میکنی در شرورک بس شن اقمار ای کتاب  
 رباعلی را انیسر و باغ غوار ای کتاب  
 هم ز بهر حضرت عبدالبهیا یار ای کتاب  
 روشنی از نوران دریای انوار ای کتاب  
 بابهای جان خود هستم خریدار ای کتاب  
 (( سیروس روشنی ))

باز با صد شوق اندر این شب تار ای کتاب  
 دوش شمع جمع مابودی و سار خوش سخن  
 دلربایی دلبری دلجوی نیکی منظری  
 همنشینی با من از وقت سحر تا نیمه شب  
 هر چه خواه هم از وفاداری ببخشی رایگان  
 میسرائی نغمه از علم و ادب در هر نفس  
 بین یاران هر چه هستم در وفاداری نبود  
 نیست چون تسویار نیکو و شفیق و مهربان  
 روی میسر افتاده آرام و ساکت نقطه وار  
 هر کس می را عشق نیکو روی خوش خود رسراست  
 گشت هر کس همدم تو یافت عزت جاودان  
 منبع علم و کمالی مخزن فضل و هنر  
 پیش تو خوانند سقراط و فلاطون در علم  
 ظلمت باطل ز رویت منعدم گردید از آن  
 شعله حق گرز سینا شد بموسی آشکار  
 آتش از جنت شد از بهر خلیل الله من  
 هر کرد احمد گر برسم معجزه شق القمر  
 لبر تو نازم چونکه بودی در جیل از راه مهر  
 فرزات ابهی را بگناه سجن بودی همنشین  
 در حضور غصن ممتازی مشرف به مبسوم  
 هر کجا هستی ترا ای نازنین سر زدل



\*\*\*\*\*

مهندس عباس شهید زاده

\*\*\*\*\* ( که کمتر پرویز جاوید ) \*\*\*\*\*

حصر در این ورطه شناسد حیوانات  
این بسودای نادان از زندگسی  
از نظر عقاداری شایسته است از جوانی روحانی  
سخن گوئیم که به فرموده مبارک " در ایمان و ایقان و ثبوت  
ورسوخ و نجاعت و شهامت مشار بالبنان بود و در اسما  
امرالله نجمی ساطع ونوری لامع بود . در اخلاق  
ممتاز از دیگران و در روش وسلوک فائق بر اقران " ونفسی  
را که مولای حنون در باره او فرموده اند : " طوسی  
له بما ایده الله علی ما هو خیر له فی ملکه و ملکوته و جعله  
من خیر خلقه و ادخله فی فسیح جنانه و رزقه من کاس  
عنايته و اضا وجهه علی اعلی الجنان بانوار موهبه و  
الطافه " موضوع این نوشته قرار دهم بلی چه نیکوست  
از شخص فرید مهندس عباس شهید زاده سخن بیمان  
اوریم که با مرصیح مولای مهربان باید " جوانان جامعه  
بهائیان در انسامان اقتداوتاسی بان خادم ممتاز  
استان حضرت یزدان نمایند و آنچه علت ارتعاع ثناء  
جامعه است مانند ان جوان نورانی مؤید و مفتخر  
گردند .

بسی خرد و گوید من میات فسات  
نیست بیسک ارتشش از زندگسی  
وگویی رضایت مولای حنون را از این عرصه برابند .  
اما این نکته را نباید گفته گذاشت که بیان و ثبت این  
نفس عالی مرتبت از عهده خامه ای ناتوان چون قلم  
این عبد هرگز بر نیاید و مرا اگر چه بسیار گوئیم بدین  
برده بار نباشد . وصف صفات حمیده او از غیر و اعلان  
هرگز نشاید . ولی فقط دل بدان خوش توانم داشت که  
از دریای خروشان قطره ای واز مهررخشان ذره ای عاید  
آن یاران مهربان شود .

\*\*\*\*\*

فاجعه رقت آور محمود مهندس عباس شهید زاده چنان  
قلوب عموم دوستان را سوخت که اگر چه چهار سال از  
آن حادثه میگذرد هنوز جگرها اهل بها از ایسین  
مصیبت دهما میگذارد و التیام این جرح در مرور ایام  
متصور نیست . زیرا مافردی بی نظیر و خادمی بی عدیسل  
را از دست داده ایم و بدین سبب نالان و گریانیم .  
براستی که مرحوم مهندس عباس شهید زاده جوهر استقامت  
و وفا حب صفا بود در اوایل طفولیت که پس از شهادت  
اب بزرگوارش بطهران آمد مشار بالبنان بود حسن  
سلوک و رفتار - ذکا و ودها بی نظیر - سادگی و بیبری

صراحت شهادت - راستی و صداقت - خضوع و خشوع او همه کس را مجذوب نموده بود همه میدانستند که این جوان را شهری دیگر در سراسر آدننگ مقامی دیگر دارد و هر کسی دیگر میپسندید اما شاید در بین تمام دوستان و آشنایان کسی نمیدانست که این خلقه صادق و پدر میپسند و نشانی از پدردارد. شاید هرگز تصور نمیکردند که او جوانی - در اواسط جوانی - ناکام از این جهان فانی - بعالم باقی شتابد ولی تقدیر الهی چنین بود و شهید زاده را بزودی از دست پسر و با تقدیر ستیزه نتوان نمود. او راستی این بیان مبارک از کلمات مکتوب حضرت بیچون را که میفرماید: "ای برادران - باعمال خود را بیارائید نه باقوال" همیشه و در حال مد نظر داشت - باکی طینت و صفای باطن او حکایتی است که بیان و نشان از ذکرش عاجز است.

از همان اوان که در مدرسه تربیت بهائیان در طهران بتحصیل اشتغال داشت آنی از کسب معارف باز نایستاد و از خرمن فضائل توشه گرفت و همیشه در زمره برجسته ترین و ممتازترین شاگردان قرار داشت. و هنگامیکه در پاریس - بتکمیل معلومات خویش در رشته معدن شناسی مشغول بود در آن محیط که بوی ایمان با مریزدان ابد ازان - استشمام نمیشد با رفتار پسندیده و صفات حمیده خویش اثری بیسابقه باقی گذاشت. چنان در انسامان روش و سلوک نمود که غبار لوث و فساد دامن مطهرش را الوده - نساخت و گوهر تابناکشالی اابد در وی و درخشند بهماند آنی از کسب فضائل در ربع نکرد و وی از اوقات عزیز عمر

بیاطل نگذرانید زیرا همین بیان از کلمات مکتوب رب البریه را بخاطر داشت که میفرماید: "وقت را غنیمت شمر زیرا که این وقت را دیگر نیبینی و این زمان را هرگز نیایی" او میدانست که باید هر روزش را روز پیش بلکه هر آنش از آن قبل بهتر و نیکوتر باشد. از اینرو لحظاتی از عمر را برایگان از کف نمیداد و وی را بیپوده و نیکگذر واقع ای که بسیار در روح این جوان با ایمان که با هزاران ارزو و آمال بدیار غربت رهسپار شده و رنج - سفر را بر خود هموار ساخته بود مؤثر افتاد ملاقاتهای او با ایت انجذاب امة الله میسوس ماکسول بود. این - مبلغه شهیر و عالمه کامله از همان اوان اثار هوشمندی را از ناصیه این جوان بعیان دیدند و برتر از سایرین شمرند. و همیشه در نزد خویش جایز میدادند و پیوسته از احوالش جويا میشدند. گوی روابط معنویه - میسوس ماکسول با عوالم ماوراء الطبیعه اینده شهید زاده را که در انزمان بر ما و امثال مخفی و پنهان بود بحر او فاش و عیان نموده بود. این ملاقاتهای ساده با آن خاد ارسته بصفات ممتازه روح جدید در کالبد شهید زاده - د مید و او را بر خدمت امر عازمتر و ثابتر ساخت.

پس از چندی با معلومات عمومی فراوان و روحی پسر از انجذابات حضرت یزدان بظهران مهد جمال جانان معاودت نمود. صفات و رفتار او که نمونه های از - اعمال و رفتار يك بهائی واقعی بود بزرگترین و گویا ترین مبلغ این امر اعظم بشمار میرفت. زیرا شهید زاده این نکته را بدستی میدانست که امروز گفتار تنها برای -

تبلیغ امر بها کافی نیست بلکه بفرموده مبارك "گفتار -  
را کردار لازم زیرا در اقوال كل شريك اند" <sup>نست</sup> "او میدا  
که باید اعمال و رفتار حتی افکار خویش را موافق با -  
تعالیم این امر اھظم نماید از این روسر موئی تخلص  
از دستورات مبارکه را جائز نمیشمرد . سادگی و صفای  
او زبانزد خاص و عام بود و دیانت و امانت او شهره شهر  
و دیار .

شهید زاده هرگز تظاهر نمیکرد و خدمت بیبیرایه را -  
شعار خویش ساخته بود . بیشتر اوقات او مصروف بخدا ما  
امریه بود . زیرا میدانست که امروز خدمت صادقانه  
و بیرب وریا مقبول در گاه کبریاست و بس .

خدمات مقامی او در لجان مختلفه امریه و معلمی  
ار در کلاسهای درس اخلاقیه و تربیت عده ای کثیر  
از جوانان این سامان و بالاخره در سال عضویت او در محفل  
مقدس روحانی را همه بخوبی میدانند و نیازی بتکرار  
این مقال نیست .

معلومات عمیق و بینظیر امری و غیر امری او و احاطه فراوانش  
را بر فلسفه قدیم و جدید انانکه افتخار شاگردیش را داشته و  
یا در مجمع جوانان بهائی طهران و کنفرانسهای دیگر  
سخنان حکیمانه اش گوش فراداده اند . میدانند -  
بطوریکه اکثر جوانان که با این نبوغ او آشنا بودند حاصل  
مشکلاتشان را از او جویا میشدند و او با فروتنی خاص خویش  
جواب میداد .

خدمات بیشائبه و صادقانه او در اداره معادن و دانشگاه  
و کارخانجات شمال مورد تصدیق خاص و عام است و بارها

بعلت جدیت و شتکار و عملیات درخشانش مورد تقدیر  
اولیای وقت قرار گرفته بود . امانت و صداقت او حدیثی -  
است که کل بدان گواهند . همین صفات بود که او را از همه  
متناز میساخت و محبوب القلوب همه اش میکرد .

شهید زاده در بند مادیات نبود زیرا میدانست که ثروت  
عالم را وفائی زینقائی نیست از این رو بعد از عمو  
از عالم خاک بچپان پاك جز نامی تابناك و مبلغی قرض  
میراثی باقی نگذاشت بلی :

نام نیکوگر بماند زادمی

به کز او ماند سسرای زرنگار

او توانست با جلوگیری از رشا و ارتشا مقدار معتدبانه  
بر حصول کارخانجات شاهی که ریاست آنرا بر عهده داشت  
ببفزاید و بجرم همین صداقت و امانت و شهادت و شجاعت  
هدف تیر مخالفتهای اعداء و معاندین شد .

حسودان و بداندیشان بهائی بود نشرا دستا و -

کردند و با این حرره بمعاندتش قیام نمودند و بر محوش

همت بگماشتند و در جر اید و مجلات اراجیف فراوان

بر ضد این جوان با ایمان منتشر نمودند ولی او که جوهر

استقامت در بلا یا بود و بیباکی و طهارت خویش اطمینان

فراوان داشت آنی وظیفه مقدس خویش را فراموش نمیکرد -

او میدانست که مامور است صادقانه بدولت متبوه خویش

خدمت نماید . او میدانست که بهائی حقیقی بدعا

بلا را طالب است و از موانع و مشکلات بینی بخود راه نمید

این بیان مبارك از قرآن مجید را بیاد داشت که میفرماید

"فتننا الموت ان کتم صادقین" بلی مومن صادق را از -

بلا بیمی و پروائی نیست و بای تمام تش از مخالفت اعداء  
 نیلرزد بهمین جهت عده ای از اشخاص نفع پرست  
 که این استقامت را دیدند برای حفظ منافع فردی خویش  
 علیه او شوریدند ولی هر چه تهدید اعداء افزودند  
 میشد بصورت اوعیانتر میگشت از او خواستند که از بلا  
 بگریزد و برای حفظ جان ترک کار خویش گوید و بطهران  
 معاودت نماید ولی او چنین تنگی را نپذیرفت زیرا خویش  
 را مسئول حفظ اموال دولتی که با و سپرده شده بود  
 میدانست و خیانت در امانت را جائز نمی‌شمرد. اعداء  
 باز بمخالفت خویش افزودند و در منا بر طعنش بردا  
 ولی باز او اندک فطوری بخود راه نداد. بالاخره  
 مخالفین آخرین تیری را که در ترکش داشتند رهانمودند  
 و در دوازده تیرماه هزار سیصد و بیست و شش ان جوهر  
 استقامت و خلوص یعنی مهندس عباس شهید زاده که از  
 جوانی چند گامی فراتر ننهاده بود در سن سی و پنج  
 سالگی بوضعی رقت بار از زحمت زندگانی پرست و برحمت  
 یزدانی پیوست جسد او را در حالیکه آثار ضرب شدید  
 در پهلوئی نازنینش واضح و بیان بود از دریا بیرون  
 آورده اند این مخالفین تصور مینمودند که با این اعمال  
 جاهلانه نام شهید زاده را از تاریخ محو خواهند نمود  
 آنها گمان میکردند که مردم خدمات صادقانه و پیشانیه  
 او را که در سالیان کوتاه عمر خویش بایران و ایرانیان کرده  
 است فراموش خواهند کرد آنها خیال میکردند که شهید  
 زاده فراموش شد نیست ولی غافل بودند از اینکه  
 مرگ فقط هادم جسم است و معالم روح راهی ندارد طیر

بلند پرواز روحش از نفس تن برهید و در افلاک انس مقر  
 گرفت و در اعلا غرف جفان بیار امید اما بیخردان کونه  
 فکر اندیشه نمودند که با افتنا<sup>جسم</sup> او را معدوم نموده اند  
 زهی تصور باطل زهی خیال محال  
 زنده جاوید ماند هر که نکونام زیست  
 کز عقبش ذکر خیر زنده کند نام را  
 تاریخ امرالی الابد این فداکاری را فراموش نخواهد  
 کرد و این خادم برازنده را از یاد نخواهد برد و نام  
 او را با خطی جلی در زمره جانبازان جوان ثبت خواهد  
 نمود. بلی شهید زاده زندگی ابدی یافت و با این فدا  
 کاری سرمشقی برای جوانان گذاشت که از زندگی باشکوه  
 روحانی او پند گیرند و صفات ممتاز بهائی عامل شوند  
 و در راه امر یزدان از نذل مال و جان در راه جانان دریغ  
 ندارند.

دستان مهربان - تاریخ امر ماد در گذشته امثال فراوانی  
 از این راه مردان فداکار جدا گشته است امر عزیز  
 ما در این صد و اند سال<sup>با</sup> هجرت تعریفه مخالفین پر قدرتی  
 روبرو شده و با نهایت استقامت تحمل کرده است ما امتحان  
 خویش را در استقامت در بسلا<sup>ها</sup> بخون خویش داده ایم  
 و ثابت کرده ایم که این مخالفتها برای ما ادنی ارزشی  
 نداشته و ندارد. نظایر شهید زاده در تاریخ درخشان  
 ما فراوان<sup>است</sup> ولی در جامعه امروز که غرق در مادیات است  
 او نمونه ای درخشنده و ممتاز است زیرا فردی بود که با  
 کمال محبت و شجاعت بتبلیغ عملی این امر اعظم پرداخت  
 و با محبت و صمیمیت تمام بخد متا نام کوشش و اقدام نمود  
 (بقیسه در صفحه ۷۶)



## مقام و حقوق زن در دیانت بهائی

دانشمند ارجمند جناب احمد یزدانی اخیراً کتابی  
 حاوی الواح ثلاثه نار الهیه راجع بمقام و حقوق زن در -  
 دیانت بهائی منتشر و در دسترس احبای عزیز گذارده  
 اند .

برای آنکه خاطر منیر برادران و خواهران روحانی از -  
 مطالب کتاب فوق مستحضر باشد ذیلاً قسمتی از مقدمه  
 را که مؤلف دانشمند آن بر کتاب مرقوم فرموده اند جهت  
 استفاده عموم در این مقام درج می‌نمایم امید داریم از آن بهره  
 نمایان بسند :

"زن با اینکه یکی از دو رکن عظیم عالم انسانی و مادر  
 اولین مری انسان است مقام و حقوقش در جامعه بشری -  
 هنوز انطور که باید و شاید شناخته نشده و از قرون و اعصا  
 سالفه تا کنون در ممالک مختلفه جهان قدر و منزلتش  
 در حیات فردی و اجتماعی اقوام و ملل بحدی متنسوع  
 و متفاوت و بطوری درد و طرف افراط و تفریط و مورد ابراز  
 نظریات و احساسات شدید متضاده قرار گرفته که شرح  
 و تفصیل آن بسیار و ادای حق مطلب هم بسی دشوار  
 است مگر اینکه طالب محقق بکتاب عدیده تاریخی و -  
 اجتماعی و دینی ملل عالم مراجعه و اثر بتراند ایمن  
 مراجعه را با معاینه و مشاهده اوضاع عجیب نسوان در

کشورهای تمدن و غیر تمدن جهان توأم نماید تا بسر  
 حقیقت احوال اسف‌اشتمال آنان انطور چه که هست  
 آگاه گردد .

اکنون اجمالاً همگی کم و بیش میدانند که در قسمتی از -  
 دنیا مانند بعضی از ممالک امریکا و اروپا زن بقصدی  
 مورد احترام و تکریم و تعظیم مردان قرار گرفته که حتی  
 کلمه پرستش را برای بیان علاقه خود نسبت بزین استعمال  
 میکنند و در برخی از کشورهای آسیا و افریقا زن را عضوی  
 ضعیف الاراده و ناقص العقل و سست پیمان و بر مکر و کیسند  
 و غیر صالح برای مداخله در امور اجتماعی تصور کرده و او  
 را فقط التی برای کار و خدمت و بقای نسل و نگاهداری -  
 اطفال دانسته و عبارتاً آخری حق و مقامی جز وسیله اجرا  
 مقاعد و حوائج مرد برای او تائل نیستند .

جای بسی تعجب است که اولاد ممالکی که زن را بیش از  
 اندازه مورد توقیر و ستایش قرار میدهند حق مسلم او را که  
 شرکت و مداخله مستقیم در امور زندگی و اجتماعی بطور  
 تساوی با مرد است قائل نبوده و زن را غالباً بارایش و -  
 الایش متوجه و مشغول ساخته و آنرا چون صنی پرستش  
 و نیایش نمایند ولی زمام اداره امور اجتماع را خود بدست  
 گرفته و در نتیجه تمدن کنونی را این چنین سخت و خشن

وهمواره آماده جنگ و جدال و عالم را مستعد خرابی و  
اضمحلال ساخته اند .

ثانیا - ملل و ملتانی که قدر و قیمت انسانی برای زن قائل  
نبوده و او را تحت قیمومت مرد و ماداقیلی ان دانسته کم و  
بیشر محروم و ممنوع از حقوق بشریش نموده اند محل تحسیر  
و تاتر است که بندای علم و آزادی که در این عصر مشعشع  
نورانی عالم انسانی را بجنبش و اهتزاز در آورده و ابواب  
ترقیات صسوی و معنوی را بروهه ملل گشوده و نسوانرا  
فرصت کسب فنائیل و کمالات علمی و صنعتی و اجتماعی  
بخشیده و قعی نمیگذارند و در نتیجه دختران جوان  
یا منهک در همان عادات و آداب کهنه فرسوده تدیمی  
دور از حریت و محرفرت و ترقی زیست میکنند و یا بصرف تنالیه  
از بعضی آداب و رسوم مضره تمدن غرب از داده سلامت  
نفس و عفت و محاسن اخلاقی منحرف گشته عائله ها دچار  
خسارات مادی و معنوی و باره مناسد اجتماعی میگرددند .  
و همین وضع ناموزون و غیر معتدل زنان در شرق و غرب  
و محرومیت آنان از حقوق حقه خود و فرصت نیافتن این  
عضو فعال و رکن مهم همکل عظیم انسانیت در ا یقای  
وظائف و انجام مسئولیت خویش یکی از علل مهمه اختلال  
امور عمومی جهان و جنگ و جدال بوده و هست .

حال جای بسی خوشوقتی است که بر اثر نشر و ترویج  
مبادی سامیه این امر اعظم و تائیدات غیبیه الهیه سازمان  
ملل متحد و بشری که در متن کتاب خواهد آمد در ضمن  
اعلامیه حقوق بشر ماده مخصوصی هم برای تساوی حقوق  
زن و شوهر و آزادی امر از راج مقرر و تصویب نموده است

و باید در نتیجه تصویب اعلامیه حقوق بشر و پیشرفت امر  
مقدس بهائی انتظار داشته که اوضاع نسوان در شرق  
و غرب برود رو باعندال و انتظام رفته و مطابق تعلیم مقدس  
دیانت بهائی در تساوی حقوقی رجال و نساء عالم  
نسوان بلکه جهان انسان ترقین سعادت حقیقی گردد .  
اینک در این رساله مقام و منزلت حقیقی زن را در عالم  
انسانی و تساوی و توشر یا مرد در جمیع شئون روحانی  
و اداری و از روی اصول و فروع تعالیم بهائی عدل الهی  
را در این باب بیان میکنیم و امید داریم من بعد نویسندگان  
فائیل نواقص این کتاب را رفع و کتاب جامعی در این  
خصوص تالیف فرمایند .

اینک فهرست مطالب کتاب بشرخ ذیل باستحضار  
خوانندگان عزیز میرسد :

باب اول در کلیات

باب دوم مقام و حقوق زن در دیانت بهائی

باب سوم موارد امتیاز و تفاوت حقوق و جنس

باب چهارم حقوق و وظائف مهمه امه الرحمن

باب پنجم سایر حقوق و وظائف شرعیه امه الرحمن

باب ششم ازدواج بهائی

خاتمه و مناجات

مآذالعده این کتاب نفیس را بکلیه احبای الهی خصوصاً  
امه الرحمن که باید در میدان عرفان هم عنان مردان  
گردند توصیه میکنیم .

دکتر یونس افروخته

بقیه از شماره قبیل \*\*\*\*\* ( نرزانه افروخته ) \*\*\*\*\*

باری این فرمایشات برخجلیت و شرمساری افزود انشب  
رابا آه وناله بسر بردم و این ابیات سعدی را تا صبح  
تکرار کردم .

ای دل بیا بگریم چون ابر در بهاران  
کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران  
هرکس شراب فرقت روزی چشید ه باشد

داند که سخت باشد قطع امید و آرزو  
باساریان بگوئید احوال اب چشم

تا بر شتر نیند محمل بروز یاران  
فردا صبح تا شام چند بار مشرف شدم و همواره با شمسور  
و نشاط بساز بودم تا شام هنگام مرخصی فرمایشات کسی  
که در ردیف اسرار مگوست روحم را با هتزاز آورد بطوریکه  
در حین وداع ببرکت آن فحشه که ندیده بودند با کمال  
نور و شمع مرخصی شده با اتفاق چند نفری که حسابا امر  
مشایعت فرمودند به کشتی رسیدم . . . . هنگام حرکت  
کشتی تا چشم کار میکرد بکوه کرمل ناظر بودم پس از آن  
بطور دل توجه کردم و عرض کردم  
دل اندر سینه جا دارد تو در دل

دل اهل دل از بهر تو منزل  
بما وابسته چون دل بسینه  
بما بیوسته چون سینه با دل

..... شبی که روز بعد ش عازم بودم فرمودند :  
"جناب خان چند سال است که با ما هستی عرض کردم  
نه سال فرمودند عجب عدد مبارکی تو میروی بطهران  
کار و بارت خوب میشود چون که نیت خوست ما هم  
که کارمان خوب شد برای اینست که نیتمان خوب بود ."  
انتهی .

پس از آن به يك کشتی جنگی بسیار بزرگ المانی که  
در اسکله حیفا چند روزی لنگر انداخته بود اشاره نمودند  
و فرمودند ماکه از این کشتیها نداریم که فتح کنیم  
تمام این کشتیها غرق میشوند اما قایق شکسته ما بمقصد  
میرسد انتهى .

فرمایشات بسیاری در مقام تقدیر از خدمات انجام نداده  
باین عید فرمودند چنانچه در خود فرورقم دیدم سراپا گناه  
و تقصیر و قصور و روسیاهم و همه آنها را ندیده انگاشته  
از حساب خدمات و جانفشانی در آورده اند فهمیدم که  
خیام خوب گفته :

خیام که حل عد معما کرده

این نکته چه خوب بر زبان آورده  
انجا که عنایت تو باشد باشد

ناکرده چون ناکرده کرده

فرونشستنت در دل چه آسان

فرا بگرفتنت از دل چه مشکل

مطاف اتجم ای شمع آفاق

عزیز انفسی ای شمع محفصل

شود ائینه دل طور سینا

چو بارویت شده آئی مقابسل

ترا دیدن اگر فرض محالست

ترا جستن بود تحصیل حاصل

خوشا مهر تو و رفیع موانع

خوشا عشق تو و حل مسائل

در این طوفان عشق ای دل نخواهد

رسیدن کشتی عظم بسا حاصل

نهبینشانند سرشگم اشر عشق

نپوشد چشمه خورشید را گل

الا ای اشر دلهای مشتاق

بسوزان پرده اوهام باطل

بزن اشر که این پیراهن تن

میان جان و جان گشته حائل<sup>نا</sup>

زهی اثر وخته کویا تود مساز

زهی افسرده کز ذکر تو غافل

( دکتر یونس افروخته )

بالاخره یکنفر مستخدم بانگ بین المللی که منصب

و درجاتش مقبوض بود با انقطاعی کامل ترك مناصب کرده

ویار و بیگانه را در حیرت گذاشته بود اکنون پس از -

مدتها با درجه دکتری و ( دیپلم برگ خرما ازد ولتین

فرانسه عثمانی ) بانشان لژیون دونسوز و افتخاراتی

بمراتب بینتر از آنچه بود با د و گوش پر از شنید نیهسا

ود و دیده ملو از دید نیهسا وارد ایران شد و از آن گلهها

که بارمغان آورده بود در استان را تحفه ها داد .

از همان ابتدا بعضویت محفل روحانی مفتخر و محکمه

دائر و شروع بطبابت نمود . و علاوه بعنوان ریاست

صحیه توپخانه داخل شغل دولتی ابتدا با درجه

سلطانی و سپس سرهنگی مشغول کار شدند و با فاجسود

اغراض مغرضین که نامه ها با احمد شاه نوشتند که مبلغ

بهایان در قشون چنین شغلی دارد کارها بر وفق

مرام میگذاشت و اراده حضرت عبدالبهاء ایشان را از هر

گزند مصون میداشت در حدود همان ایام بود که قصد

ازدواج با دختر اقامیرزا هادی خان سرتیپ و د و اساس

قشون یا نوه حضرت رضی الروح زرین تاج خانم را کرد

و چندی بعد مفتخر بزیارت این لوح گشتند .

طهران جناب میرزا یونس خان علیه بها الله الابهی

هو اللله

ای ندیم قدیم در این ایام مزده رسید که آن بند نورانی

ابهی اقتران بقره محترمه نورانیه حفیده رضی الروح -

خواهند نمود این اقتران مبارکست<sup>و</sup> بیتمن امید چنانست

که عائله تشکیلی شود و نفوسی مبعوث شوند که سراج

و هاج رضی الروح را در مشکاة جدیدی روشن نمایند

و علیکما البهائیه الابهی ( و در ذیل این لوح و خط

مبارک فرموده اند جناب خان از اتفاقات عظیمه در این

چند روز قبل اینکه مقارن جمعیت شما زیارت بسیار مفصلی

بجهت حضرت رضی الریح مرتوم شد و ارسال یزد گردید  
یعنی نزد اقا طاهر اگر بنواھید از یزد بطلبید .

وھلک والیبھا ع ع

بالاخره پس از اعلان زفاف باین لوح سرور گشتند :

طهران جناب دکتور یونس خان علیہ بہا اللہ الابھی

ھواللہ

ای یونس من ای مونس من اعلان زفاف ملاحظہ گردید  
انشاء اللہ مبارکت الحمد للہ طرفین منجذب بنفحات  
ومشتمل بنار محبت اللہ ہستید از الطاف جمال مبارک  
امید وارم کہ این اقتزان مورت روح وریحان گردد و سبب  
سرور وحبور یاران و تشکیل عائلہ بہائی در عرصہ ظہور  
جلوہ نماید کہ سلالہ در قرون واعصار اتیہ مظهر فیض  
وبرکت الہیہ باشد وعلیک البہا الابھی ع ع

باری شغل دیگر ایشان استادی مدرسہ طب بود انتہنگا  
کہ طبیب تحصیل کردہ خارجہ انگست شمار بود با وجود  
بغض وزرای وقت بہ تدریس رشتہ میکرب شناسی ومامائسی  
مشغول بودند ویکروز کہ وزیر معارف وقت برای تفتیش  
سرزدہ داخل مدرسہ میشود و معلمین و دکتورهای سنوات  
ماضیہ را کہ چنین دروسی ندیدہ بودند می بیند کہ مانند  
سایر تلامیذ در کلاس درس جناب دکتور نشستہ و جزوہ  
می نویسند حقد و حسد شربیش از پیش تحریک شدہ و با  
عدہ از معلمین ہمدست شدہ جار و جنجالی بیسا  
میکند اما جناب دکتور کہ میل شدید مبارک را با ادامہ  
این شغل می دیدند استقامت نمودہ و مشغول بودند  
تا وقتی کہ عازم اوریا شدند و ناچار استعفا دادند

اما شغل دیگر ایشان طبابت سفارت افغانستان بود  
کہ چندین سال دوام داشت و همچنین طبابت سفارت  
ترکیہ کہ بعد از جنگ بین المطلق بواسطہ لوحی کہ قبلا  
حضرت عبدالبہا بافتخار جناب نصوحی بیک رئیس  
مجلس مبعوثان اسلامبول نازل و درخواست چنین شغلی  
را برایشان فرمودہ بودند مدت کمی افتخارا انجام شد  
اما خدمات فرهنگی واجتماعی جناب دکتور افزونہ در  
ایران در ان موقع بسیار بود ایشان بتاسیس شورای طبی  
و دیگر مشروعات بہداشتی ہمت گماشتند کہ بعضی  
از تاسیسات کونی بریایہ همان تاسیسات بنا شدہ و  
میتوان گفت کہ ایشان ودوسہ نفر از رفقای طبیبشان کہ  
در این گونه خدمات با ایشان همکاری مینمودند بودند  
کہ تاسیسات طبی ایران را بر مالودہ طب جدید بنسب  
نہادند . ( بقیہ در شمارہ آیندہ )

بقیہ از صفحہ ۷۴ . . . مہند سرباس شہید زادہ

وحیات ابدی یافتہ

نبود حاصل عمر ار محبت ونیکسی

دگر ز عمر چہ میبود حاصلی مسارا  
یاران جوان انیز باید رفتار مہند سرباس شہید زادہ را  
سرمشق زندگی خویش قرار دہیم مولای مہربان ما را ما مور  
میفرمایند کہ بشہید زادہ وامثال او تاسی کنیم و در  
خدمت عبادقائہ واکتساب کمالات الہیہ مشارالبنان  
باشیم از ما انتظار دارند کہ بہائی حقیقی باشیم بیباید  
رفتار خود را با سرمشق خویش کہ باجمال بشرح احوالش  
پرداختیم بسنجیم ہ ما وشیفہ نایق و دشواری برعہسدہ

## آهنگ بدیع و خوانندگان

دانشمندان ارجمنده‌ی نیز وجود دارند که با تمام قوا در تقویت روح ایمان در جامعه انسان میکوشند و بشر را بسوی تعالیم الهیه که داروی جانبخش نجات و فلاح است دعوت میکنند .

۴ - شعر " ای کتاب " از انجمن نویسندگی جوانان تبریز واصل شده است آهنگ بدیع موفقیت و ترقی آن انجمن را از درگاه مولای حنون مسئلت نموده امیدوار است که در نقاط دیگر نیز چنین انجمنهای ادبی تشکیل شود و بر معلومات جوانان بدین طریق افزوده گردد .  
( هیئت تحریریه آهنگ بدیع )

بقیه از صفحه ۷۹ . . . . مهندس عباس شهید زاده

داریم باید با اعمال و رفتار و سخندانی خویش ثابت کنیم دما برین شهید آن پاک جان امر جانان بهدر نرفته است اندکی توجه کنیم و بخود ایم نه بینیم آیا با آنچه شایسته ماسته طیم ؟ آیا بصفات و کمالات بهائی از استه ایم ؟ آیا چون شهید زاده صداقت و صراحت و شجاعت و خدمت امر را شعار خویش قرار داده ایم ؟ آیا چون او جوهر استقامت و وفا - صلح و عفا میباشیم ؟ و بالاخره از سایرین ممتازیم ؟ و آیا مردم از اخلاق و رفتار ما پی میبرند که بهائی - جامع جمیع کمالات انسانی - هستیم ؟ دستان عزیزه مید آن خدمت فداکاری - همت و جانبازی میباشد - سعادت ما در این است که رفتار و کردار و اعمال شهید زاده را سرمشق قرار دهیم و در راه انجام نوایای خویش بمال و جان فداکاری کنیم تا بجلب رضای مولای توانا موفق گردیم .  
ما بدین مقصد عالی نترانیم رسید  
چند هم سکر پیش نهاد ایامه شد انامی

( انتهى )

۱ - صعود حضرت ورقه مبارکه علیا در بیم الجمال من شهرالکلمات سنه ۸۹ بدیع موافق با ۲۴ تیر ماه سنه ۱۳۱۱ هجری شمسی اتفاق افتاده است و در بیم الجمال شهرالکلمات ۸۹ بدیع لوح مبارکی که زینب اوراق این مجله گردید از یراعه مبارکه حضرت ولی امرالله جلت قدرته و سلطانه در ذکر محامد و نعوت آن ظالم اهل بها عز نزول یافت . از مطالعه این لوح موثر خوانندگان عزیز بدرجه حزن و اندوه مولای حنون و مهربان در ان احیان پی خواهند برد .

۲ - چون صعود مرحوم مهندس عباس شهید زاده در روز ۱۲ تیرماه ۱۳۲۶ اتفاق افتاده است و اکنون چهار

سال تمام از ان میگردد آهنگ بدیع برای یادآوری - خدمات بیشائبه ان جوان برازنده و فعال امر مولای یگانه بدیع مختصر شرح حال ایشان پرداخت امید است که بفرموده مبارک " جوانان جامعه بهائیان در انسامان اقتداء و تاسی بان خادم ممتاز استان حضرت یحزادان - نمایند و آنچه علت ارتفاع شان جامعه است مانند ان جوان نورانی موید و مفتخر گردند :

۳ - عقیده چند دانشمند از یکی از مجلات وزین و - معروف خا رجی ( ریدرز ایجست ) ترجمه شده است و بخوبی مدلل میدارد که در جهان مادی امروز -